

خشونت‌ی که به نام عشق توجیه می‌شود

Photo: Voy/ Bigstockphoto.com

صبا امیدوار

حتی خشن‌ترین، برهنه‌ترین و بی‌رحمانه‌ترین چهره نظام پدرسالارانه در خانواده می‌تواند با نام عشق توجیه شود. این را من نمی‌گویم ، مهرداد درویش‌پور جامعه‌شناس مقیم سوئد می‌گوید. او می‌گوید نباید به نام "عشق" به خشونت مشروعیت داد.

شب بود همسایه‌ها همه شاهد بودند که زن جیغ می‌زد، مرد داد. دست مرد و موهای زن در هم گره خورده بود، فردای آن روز اما همه چی آرام بود مرد از عشق می‌گفت و زن از گوشواره جدیدش.

جرم سکوت، همدستی با خشونت است

مهرداد درویش‌پور جامعه‌شناس مقیم سوئد از مسئولیت شخصی در خشونت خانگی می‌گوید.

می‌گوید: بسیاری از زنانی که مورد خشونت قرار می‌گیرند تحت عنوان این که عاشق هستند، می‌بخشند و یا خشونت را می‌پذیرند. شوهران خشونت‌گر آنها هم با یک هدیه و با عشق‌ورزی‌های گاه‌گاهی سعی بر عادی‌سازی خشونت دارند و در واقع خشونت را با عشق توجیه می‌کنند.

به گفته این جامعه‌شناس زنانی که خودشان قربانی خشونت هستند ولی سکوت می‌کنند و خشونت را بر ملا نمی‌کنند چه به دلیل حس گناه باشد، چه شرم و چه ترس، در عادی‌سازی خشونت نقش دارند.

بسیاری از این زنان همه نوع دلایل عاطفی می‌آورند تا خشونت را توجیه کنند.

او می‌گوید: به هیچ وجه نباید به بهانه عشق و به بهانه شرم و آبروریزی اجازه داد خشونت دائمی شود.

به گفته درویش‌پور: بسیاری از زنان حاضر نیستند که شکایت کنند، آنها از بازگویی خشونت می‌بینند و تحمل می‌کنند برای دیگران واهمه دارند. این یکی از منحصر به فردترین و یکی از بزرگترین جرم‌های جهان است که به جای این که ضارب و یا عامل جرم احساس شرمندگی کند، قربانی احساس شرم دارد. جرمی که قربانی جور ضارب را می‌کشد.

قدرت برهنه‌آزاردهنده است

از او پرسیدم که چرا زنان باید شرمسار یا توجیه‌کننده خشونت باشند که علیه آنها رخ می‌دهند.

مهرداد درویش‌پور می‌گوید: زنانی که خشونت را تجربه می‌کنند تا زمانی که امکان تغییر شرایط را نداشته باشند ناگزیر به توجیه شرایط خشونت هستند.

او می‌گوید: در جامعه‌شناسی قدرت گفته می‌شود، «قدرت برهنه‌آزاردهنده است.»

این جامعه‌شناس می‌گوید: زن خشونت دیده نمی‌تواند به سادگی در کوچه و خیابان بگوید من بدترین و پدرسالارترین شوهر دنیا را دارم که مرتب مرا آزار می‌دهد ولی من به این زندگی ادامه می‌دهم چون کاری نمی‌توانم بکنم.

هم از این رو آنجایی که زنان امکان تغییر قدرت برهنه را نداشته باشند، سعی می‌کنند وجود آن را توجیه و پذیرفتنی کنند.

هیچ‌کس نمی‌گوید: انتخاب من یک مرد خشونت‌گر بوده است

در این مواقع زنان توجیه می‌کنند که شوهر به «استرس» یا «یا» شرایط اقتصادی «یا مشکلات شخصی و عصبانیت به خشونت متوسل می‌شود اما آنان همچنان عاشق زنشان هستند یا از آن بدتر به بهانه آن که زن عاشق شوهر خویش است او را می‌بخشد.

این آسان‌تر است تا بگوید: «انتخاب من یک مرد خشونت‌گر بوده است.»

این جامعه شناس می‌گوید: هیچکس تا زمانی که امکان تغییر نداشته باشد زندگی اش را به سادگی زیر سوال نمی‌برد. زمانی زنان این شرایط را زیر سوال می‌برند که امکان تغییر داشته باشند و راه فراری بیابند.

هر چقدر «استقلال اقتصادی»، «امکانات حقوقی و قانونی» و «شبکه‌های اجتماعی حمایت‌گر» مثل خانه‌های امن وجود داشته باشد و زنان قدرت بیشتری داشته باشند، شانس این که زنان روابط مبتنی بر خشونت را زیر سوال ببرند افزایش می‌یابد.

به گفته درویش پور، هم جنبه‌های افزایش هنجارهای قدرت یا منابع ارزشی قدرت نظیر باورها و آگاهی، هم منابع جبری قدرت «مانند قانون» و هم منابع اقتصادی قدرت همچون استقلال اقتصادی کمک می‌کند تا زنان بتوانند این دور باطل را ساده تر بشکنند و به خشونت تن ندهند.

او معتقد است، بسیاری از زنان تحت عنوان «عشق»، خشونت و زندگی پدر سالار را توجیه می‌کنند.

وقتی خشونت عادت می‌شود

مهرداد درویش پور جامعه‌شناس به یک نکته کلیدی اشاره می‌کند که همه تحقیقات نشان از آن دارد.

او می‌گوید بسیاری از زنانی که به زندگی مبتنی بر خشونت ادامه می‌دهند، یا به دلیل وابستگی اقتصادی یا به دلیل نداشتن امکانات حقوقی و قانونی و یا به دلیل هنجارهای اجتماعی، نیروی عادت یا سطح توقع پایین از حقوق زنان به آن ادامه می‌دهند.

این جامعه‌شناس در تعریف «هنجارمند شدن خشونت این‌گونه می‌گوید: زمانی که خشونت هیچ قبضی نداشته و دائماً تکرار می‌شود. چنین فرایندی را در تئوری‌های فمینیستی «عادی سازی خشونت» می‌خوانند.

به گفته او، در واقع فرد خشونت‌دیده فراگرفته یا پذیرفته است که خشونت بخشی از زندگی خانوادگی است. برای مثال کودکی که با خشونت روبرو است و یا دائماً شاهد خشونت پدر علیه مادر است، آن را بخشی از نرم زندگی شناخته و خود در آنرا زندگی آینده دنبال می‌کند.

درویش پور می‌گوید: برای شکستن چرخه «هنجارمند شدن خشونت خانگی صرف‌نظر از تغییر ساختارهای حقوقی و قانونی یا تغییر موقعیت زنان و افزایش استقلال اقتصادی آنها، آگاه‌سازی جنسیتی و فمینیستی و تغییر هنجارها و طرز تلقی‌ها نیز ضروری است. آگاهی از این بابت که خشونت نابود کننده عشق در خانواده است و پایداری خانواده مبتنی بر خشونت ممکن است به نفع مرد باشد ولی به شدت به ضرر زنان و کودکان است.

از این رو باید با نقد این ارزش‌ها، عادات و فرهنگ، این نوع طرز تلقی‌ها به چالش کشیده شود.